

## رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی:

### بررسی شش رمان

بهروز محمودی بختیاری<sup>۱\*</sup>، مریم دهقانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان در رمان‌های معاصر ایران می‌پردازد. هدف از این تحقیق، بررسی این مسئله است که آیا عامل جنسیت به بروز تفاوت‌های نوشتاری در حوزه واژگان و نحو منجر می‌شود یا خیر؟ در این پژوهش، سه رمان چرخ‌ها را من خاموش می‌کنم، کولی کنار آتش، و بازی آخر بانو از نویسندگان زن و سه رمان کافه پیانو، سمفونی مردگان، و ثریا در اغما از نویسندگان مرد تحلیل و بررسی می‌شود. رمان‌های مطالعه‌شده با مشخصه‌های زبانی در حوزه واژگان بررسی شده‌اند و معیار این بررسی دیدگاه‌های رابین لیکاف (۱۹۷۵) درباره الگوی گفتار زنانه در گفتمان است. براساس دیدگاه لیکاف، زنان با مردان به هنگام سخن گفتن یا نوشتن در استفاده از این موارد متفاوت‌اند: استفاده دقیق از رنگ‌واژه‌ها، فرم‌های مؤدبانه، قیدهای تشدیدکننده، صفات تهی، گفتار غیرمستقیم، پرهیز از رکاکت و دشواژه‌ها، و تأکید بر تشدیدکننده‌ها. تحلیل آماری هریک از مشخصه‌ها نشان داد عملکرد زنان نویسنده فارسی‌زبان در زمینه استفاده از رنگ‌واژه‌ها، تردیدنماها، دشواژه‌ها، تشدیدکننده‌ها، و تنوع صفات با دیدگاه‌های لیکاف سازگاری دارد و آن را تأیید می‌کند.

#### کلیدواژگان

جنسیت، رمان فارسی، سبک‌شناسی، نوشتار زنانه.

mbakhtiari@ut.ac.ir  
mdehghani@yahoo.com

۱. دانشیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران  
۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۶

## مقدمه

یکی از تفاوت‌های زنان و مردان، تفاوت در رفتار زبانی آنهاست. درحقیقت، جنسیت تأثیر مستقیمی بر گفتار انسان‌ها دارد. همان‌طور که این تفاوت‌ها در گفتار و شیوه صحبت کردن افراد وجود دارد، می‌تواند در نوشتار نیز نمود پیدا کند.

هدف از پژوهش حاضر، تعیین و بررسی تفاوت‌های نوشتاری نویسندگان زن و مرد ایرانی در ادبیات معاصر است. اینکه آیا جنسیت نویسنده بر سبک نگارش و شیوه به‌کارگیری مشخصه‌های زبانی مؤثر است یا نه، و اگر چنین است، چه تفاوت‌های واژگانی در زبان نوشتاری زنان و مردان نویسنده وجود دارد؟

پیکره زبانی پژوهش حاضر شش رمان معاصر ایرانی است. از میان این رمان‌ها، سه رمان را نویسندگان مرد ایرانی (راوی اول شخص مرد) و سه رمان را نویسندگان زن ایرانی (راوی اول شخص زن) نوشته‌اند. در جدول ۱ نام رمان‌ها و اطلاعات مربوط به آنها آمده است:

جدول ۱. عنوان رمان‌ها و نویسندگان

نام رمان	نام نویسنده	جنسیت نویسنده	سال انتشار	ناشر
چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم	زویا پیرزاد	زن	۱۳۸۰	مرکز
کولی کنار آتش	منیرو روانی‌پور	زن	۱۳۷۸	مرکز
بازی آخر بانو	بلقیس سلیمانی	زن	۱۳۸۴	ققنوس
کافه پیانو	فرهاد جعفری	مرد	۱۳۸۶	چشمه
ثریا در اعما	اسماعیل فصیح	مرد	۱۳۶۳	ذهن‌آویز
سمفونی مردگان	عباس معروفی	مرد	۱۳۸۰	ققنوس

## پیشینه پژوهش

درباره تفاوت‌های گفتاری زنان و مردان می‌توان به پژوهش‌های زیر در زبان انگلیسی اشاره کرد: لیکاف<sup>۱</sup>، ۱۹۷۵ (که پژوهشی نوآورانه بود و هشت ویژگی را در گفتار زنان نشان می‌دهد)؛ وست و زیمرمن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۵ (که نشان می‌دهد گرایش مردان در قطع گفتار بیشتر از زنان است و مردان به خود بیشتر اجازه می‌دهند که حرف زنان را قطع کنند)؛ بودین<sup>۳</sup>، ۱۹۷۵ (که تفاوت‌های گفتاری زنان و مردان را به نقش‌های مختلف آنها در جامعه مربوط می‌داند)؛ گودوین<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰ (که تمایز نوع صفات به‌کاررفته از سوی دختران و پسران جوان را مطالعه کرده است)؛ ابار و

1. Lakoff
2. West and Zimmerman
3. Bodine
4. Goodwin

آتکینز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰ (که در واقع تلاشی برای رد نظریه‌های لیکاف به‌شمار می‌رود و بر پیکره‌ای حاوی گفتمان دادگاهی استوار است)؛ فیشرمن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳ (که ویژگی‌های گفتاری زنان را به احساس ناامنی و پایین‌بودن اعتماد به نفس زنان در جامعه مرتبط می‌داند)؛ و کوتز<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶ (که بر این باور است تفاوت‌های گروه‌های اجتماعی زنان و مردان در تفاوت‌های گفتاری آن‌ها مؤثر است). در زبان فارسی نیز، می‌توان پژوهش‌های زیر را یافت: مدرسی، ۱۳۷۸ (که همبستگی جنسیتی با برخی متغیرهای آوایی زبان را در فارسی تهرانی نشان می‌دهد)؛ جهانگیری، ۱۳۸۰ (که ده متغیر زبانی را در ارتباط با تفاوت‌های اجتماعی—از جمله تفاوت‌های جنسیتی—در فارسی بررسی کرده است)؛ ابریشمی، ۱۳۷۰ (که نشان‌دهندهٔ بیشتر بودن میزان تغییر گونهٔ سبک زبان در مردان است)؛ پورجهان، ۱۳۷۸ (که نشان می‌دهد زنان به حفظ اعتبار آشکار یا به عبارت دیگر به کاربرد صورت‌های معیار زبان گرایش بیشتری دارند)؛ و جان‌نژاد، ۱۳۸۰ (که نشان می‌دهد مردان در مقایسه با زنان سهم بیشتری از گفت‌وگو را در اختیار دارند، رشتهٔ کلام را به مدت بیشتری در دست می‌گیرند، و در کل سلطهٔ بیشتری در جریان گفت‌وگو دارند). از سوی دیگر، پژوهش‌هایی دربارهٔ تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان هم در زبان انگلیسی انجام شده است؛ مانند هایت<sup>۴</sup>، ۱۹۷۷ (که نخستین اثر در این زمینه است و ملاک‌هایی صوری چون طول جملات و استفاده از علائم سجاوندی، قیود استفاده‌شده، و ربط‌دهنده‌های منطقی را در نوشتار زنان مطالعه کرده است)؛ اسکاتس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۱ (که نشان داده است زنان در نوشتار خود بیشتر از مردان از علامت تعجب استفاده می‌کنند)؛ لئوناردی<sup>۶</sup>، ۱۹۸۶ (که مقولهٔ «احساسات» در گفتمان زنانه را براساس نوشته‌های ویرجینیا وولف مطالعه کرده است)؛ روبین و گرین<sup>۷</sup>، ۱۹۹۲ (که ثابت می‌کنند نوشتار زنانه و مردانه قابل پیش‌بینی است)؛ وین و روبین<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱ و هیوارد<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳ (که نشان داده‌اند زنان بیش از مردان از علائم ندایی استفاده می‌کنند)؛ و لوین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵ (که تردیدنماها را در گفتمان نوشتاری زنانه بررسی کرده است). پژوهش‌هایی که در زبان فارسی دربارهٔ تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان انجام شده‌اند نیز بدین شرح‌اند: صادقی تحصیلی، ۱۳۷۴ (که به تمایز شعر شاعران زن و مرد پرداخته است و مقولهٔ احساس را در آن‌ها بررسی کرده است)؛ توکلی، ۱۳۸۱ (که مطالعه‌ای تطبیقی دربارهٔ مورد گسترهٔ دایرهٔ واژگانی دختران و پسران براساس نوشته‌های آن‌هاست)؛ قندهاری، ۱۳۸۳

1. O'Barr & Atkins
2. Fishman
3. Coates
4. Mary Hiatt
5. Scates
6. Leonardi
7. Rubin & Greene
8. Winn & Rubin
9. Malcolm Hayward
10. Lewin

(که این تمایز را در متون روزنامه‌ای بررسی کرده است)؛ اصلانی، ۱۳۸۳ (که به‌طور مشخص نشان داده است در متون داستانی رابطه‌ای میان جنسیت نویسنده و جنسیت قهرمان داستان وجود ندارد)؛ عاصفی‌کیا، ۱۳۸۳ (که به نقش جنسیت در ترجمه پرداخته است)؛ و جهرمی و ذاکری، ۱۳۸۹ (که ده رمان فارسی را در چارچوب نظریه تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده و به تمایزهای گفتمان زنانه و مردانه در آن‌ها پرداخته‌اند).

در این مقاله، ابتدا با استفاده از نظریه لیکاف (۱۹۷۵) به توضیح پاره‌ای از مشخصات گفتار زنان می‌پردازیم، سپس در ادامه، با استفاده از مشخصه‌های زبانی، رمان‌های مطالعه‌شده را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

برخی از مشخصات گفتار زنان از نظر لیکاف عبارت‌اند از:

۱. استفاده مکرر از تردیدنماها<sup>۱</sup> مانند 'sort of' و 'kind of'؛ تردیدنماها کلماتی‌اند که حس تردید و درنگ گوینده را به مخاطب القا می‌کنند. به باور لیکاف، گوینده با به کار بردن این کلمات، از اظهار نظر قطعی می‌پرهیزد. او باور دارد که زنان در طول گفتارشان با استفاده مکرر از تردیدنما به نوعی از جواب‌دادن طفره می‌روند. همچنین زنان با استفاده زیاد از صفات تقریبی<sup>۲</sup> (مانند almost و rather) بر این نکته صحنه بیشتری می‌گذارند.
۲. کاربرد فرم‌های مؤدبانه<sup>۳</sup> زبان و پرهیز از کاربرد دشواریها<sup>۴</sup>؛
۳. استفاده از قیدهای تشدیدکننده<sup>۴</sup> در زبان مانند «خیلی»؛
۴. استفاده از صفات‌های تهی<sup>۵</sup> مانند 'divine'، 'lovely'؛ این صفات بدان سبب تهی نامیده می‌شوند که به‌رغم آنکه مانند بقیه صفات اسم را توصیف می‌کنند، برایشان نمی‌توان معنای صریح و دقیقی تعریف کرد.
۵. استفاده از نقل قول مستقیم؛
۶. داشتن لغات خاص؛ زنان از واژه‌هایی استفاده می‌کنند که مربوط به علایق خاص آن‌ها در حوزه‌های مختلف است مانند magenta (زرشکی روشن)، shirr (پارچه بدن‌نما)، dart (ساسون). اگر مردی از این قبیل واژه‌ها در گفتارش استفاده کند، دیگران آن را شوخی و مزاح تلقی می‌کنند.
۷. استفاده نکردن از زبان خشن یا مردانه؛ از نظر لیکاف، نوشتار زنان ویژه خود آن‌هاست. به همین دلیل از اصطلاح نوشتار زنانه<sup>۶</sup> استفاده می‌کند؛ که اصطلاحی در فمینیسم فرانسوی است و به گفتمانی اشاره دارد که ویژه زنان است و به عواطف و ناشناخته‌ها نزدیک‌تر است.
۸. استفاده از گفتار غیرمستقیم برای درخواست [۲۵، ص ۵۲-۵۴].

- 
1. hedges
  2. adjectives of approximation
  3. taboo Words
  4. intensifiers
  5. empty adjectives
  6. female writing

در پژوهش حاضر، رمان‌های مطالعه‌شده در حوزهٔ واژگان بررسی می‌شوند. این رمان‌ها در این حوزه با مشخصه‌های زبان‌شناختی مانند رنگ‌واژه‌ها، تردیدنماها، دشواژه‌ها، تشدیدکننده‌ها، و صفات بررسی خواهند شد. تعداد هریک از مشخصه‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده با جدول و نمودار مشخص می‌شوند و سپس نتیجه‌گیری‌ای کلی از تفاوت‌های زبانی در نوشتار زنان و مردان ارائه خواهد شد.

## تحلیل داده‌ها

### رنگ‌واژه‌ها

به نظر لیکاف (۱۹۷۵)، زنان در تشخیص رنگ‌ها بیشتر از مردان دقت می‌کنند. آن‌ها برای هر رنگی طیف‌های گوناگونی را در نظر می‌گیرند. اما برای مردان مثلاً بنفش کم‌رنگ یا تیره تفاوت چندانی ندارد و هر دو را بنفش می‌دانند. از نظر لیکاف، تفاوت بین رنگ ارغوانی و زرشکی مسئله‌ای جزئی و بی‌اهمیت برای مردان محسوب می‌شود. کلماتی مانند beige (بز)، mauve (ارغوانی روشن)، aquamarine (زمرد کبود)، و magenta (سرخابی کبود) به‌طور مکرر در گفتار زنان دیده می‌شود، اما این کلمات در گفتار مردان تقریباً هیچ‌گاه یافت نمی‌شود [ص ۲۵، ۴۸].

از نظر لیکاف، این تفاوت در کاربرد رنگ‌واژه‌ها از سوی مردان و زنان می‌تواند به دلیل این مسئله باشد که در جامعهٔ ما مردان فقط به موضوعات کاری و سیاسی و اجتماعی علاقه نشان می‌دهند و در حقیقت مسائل جزئی و پیش‌پا افتاده، مانند تشخیص رنگ، را به عهدهٔ زنان می‌گذارند.

درواقع، یکی از تمایزهایی که در نوشتار زنان و مردان دیده می‌شود تفاوت آن‌ها در به کار بردن رنگ‌واژه‌هاست. رنگ‌هایی که نویسندگان مرد در متون خود به کار می‌برند معمولاً رنگ‌های اصلی‌اند، ولی زنان به طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها توجه نشان می‌دهند و در نامیدن رنگ‌ها به جزئیات بیشتری توجه دارند. آقایان معمولاً فقط رنگ‌های ساده را می‌شناسند؛ مانند زرد، قرمز، آبی، مشکی، صورتی و به جزئیات رنگ‌ها توجه نشان نمی‌دهند و برایشان مهم نیست که رنگ وسیله‌ای «سبز روشن» باشد یا «سبز تیره»، زیرا از نظر آن‌ها رنگ آن وسیله سبز است و نه رنگ دیگری. ظاهراً این‌گونه به نظر می‌رسد که آقایان فکر می‌کنند نیازی ندارند که به مسائل بی‌اهمیت بپردازند و این مسائل مربوط به خانم‌هاست. مگر اینکه مردان به اعتبار شغل خود (مشاغلی چون فروش اتومبیل، فرش، عتیقه، رنگ، و...) به مقولهٔ رنگ حساس باشند. تحلیلی که بر این شش رمان انجام شد نشان داد که این مسئله در حوزهٔ نوشتار خود را به‌خوبی نشان می‌دهد. زنان نویسنده در به کار بردن رنگ‌ها دقت بیشتری به خرج می‌دهند و طیف‌های گسترده‌تری از رنگ‌ها را در نوشتار خود به کار می‌برند. اما نویسندگان مرد معمولاً فقط از رنگ‌های اصلی استفاده می‌کنند. در متون بررسی‌شده، مشاهده شد که زنان نویسنده در کاربرد

رنگ‌ها دقت بیشتری به خرج می‌دهند؛ درحالی‌که نویسندگان مرد فقط رنگ‌های اصلی را به کار برده بودند. جدول ۲ تعداد رنگ‌واژه‌های به کار رفته در رمان‌های مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تعداد رنگ‌واژه‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد رنگ واژه‌ها
رمان‌های نویسندگان زن	۷۱۲
رمان‌های نویسندگان مرد	۳۶۰

جدول ۳. رنگ‌های به کار رفته در رمان‌های مطالعه‌شده

نوع رنگ	تعداد رنگ‌واژه‌ها در رمان‌های زنانه	تعداد رنگ‌واژه‌ها در رمان‌های مردانه
سیاه	۱۴۱	۸۰
سفید	۱۱۵	۸۰
قرمز	۱۰۶	۴۵
سبز	۹۱	۲۴
آبی	۴۰	۲۴
صورتی	۲۰	۱۴
بنفش	۸	۷
قهوه‌ای	۱۵	۱۹
نارنجی	۱۶	۱۳
طلایی	۱۱	۱۵
نقره‌ای	۸	۴
سرمه‌ای	۱۱	۱۱
زرد	۲۰	۱۸
خاکستری	۸	۱۲
کبود	۴	۱۱
لیمویی	۹	۵
ارغوانی	۸	-
زیتونی	۱۴	-
زرشکی	۹	-
شرابی	۸	-
خرمایی	۷	-
سرخابی	۸	-
پشمی	۱۵	-
عسلی	۸	-
گل بهی	۶	-
طوسی	۹	-

جدول ۲ نشان می‌دهد که در سه رمان نوشته‌شده از سوی زنان، ۷۱۲ بار به رنگ‌ها اشاره شده است؛ در حالی که در سه رمان نوشته‌شده از سوی مردان فقط ۳۶۰ بار از رنگ‌ها استفاده شده است. جدول ۳ رنگ‌های به کار رفته در رمان‌های مطالعه‌شده را نشان می‌دهد. این جدول به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان در نوشتار خود از رنگ‌واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد رنگ‌واژه‌ها یکی از مشخصه‌هایی هستند که نوشتار زنان را از مردان متمایز می‌کند. براساس جدول ۳، در نوشتار مردان فقط ۱۶ نوع رنگ، که همگی از رنگ‌های اصلی‌اند، به کار رفته‌اند، اما در نوشتار زنان، ۲۶ نوع رنگ به کار رفته است. رنگ‌هایی مانند ارغوانی، زیتونی، زرشکی، شرابی، خرمایی، سرخابی، یشمی، عسلی، گل‌بهی، و طوسی در نوشتار مردان دیده نمی‌شود، اما در رمان‌های زنان به کار رفته است؛ همچنین سیاه، سفید، و قرمز از رنگ‌هایی‌اند که هم در رمان‌های زنان و هم در رمان‌های مردان بیشتر از بقیه رنگ‌ها دیده می‌شود. در رمان‌هایی که فضای سرد و غم‌انگیز دارند، مانند *سمفونی مردگان* و *کولی کنار آتش*، رنگ سیاه طبیعتاً بیشتر از بقیه رنگ‌ها به کار می‌رود. در رمان *کولی کنار آتش*، رنگ سیاه ۴۶ بار و در رمان *سمفونی مردگان* ۴۰ بار به کار رفته است. همچنین این نکته را باید در نظر داشت که معمولاً برای توصیف رنگ مو و چشم و ابرو، رنگ سیاه بیشتر از بقیه رنگ‌ها کاربرد دارد. رنگ سفید هم معمولاً برای توصیف رنگ لباس و وسایل خانه زیاد به کار رفته است.

### تردیدنماها

لیکاف یکی دیگر از مشخصه‌های زبان زنان را استفاده از تردیدنماها می‌داند. از نظر وی، تردیدنماها کلماتی‌اند که حس عدم قطعیت و درنگ گوینده را به مخاطب القا می‌کنند. در واقع، گوینده با به کار بردن این کلمات از اظهارنظرهای قطعی می‌پرهیزد [ص ۲۵، ۵۳]. کریستال (۲۰۰۳) نیز تردیدنما را ابزاری در کاربردشناسی و تحلیل گفتمان می‌داند. تردیدنماها کاربردهای گوناگونی دارند: می‌توانند عدم قطعیت و تردید گوینده را نشان دهند یا اینکه برای ادامه گفتار و خودداری از قطع کلام در مکالمه به کار روند. کلماتی نظیر 'maybe'، 'sort of'، 'you know' و 'I mean' در زبان انگلیسی نمونه‌هایی از تردیدنماها هستند. در زبان فارسی کلماتی مانند *خب*، *شاید*، *می‌دونی*، و... نمونه‌هایی از تردیدنماها هستند. البته هولمز [ص ۲۲، ۷۵] مکث‌ها و واحدهایی آوایی مانند ... eeh... eeh را نیز جزء مقوله تردیدنماها محسوب می‌کند، زیرا از نظر او این کلمات برای نشان دادن نارضایتی یا عدم قطعیت گوینده به کار می‌روند. او آهنگ افتان-خیزان و پرسش‌های پایانی و افعال معین مانند *May*، *Might* و *Could* را نیز جزء تردیدنماها به حساب می‌آورد [همان، ص ۷۶].

از نظر لیکاف، دلیل استفاده بیشتر زنان از تردیدنماها آن است که زنان معمولاً از گفتارهای قطعی می‌پرهیزند و در گفتار آن‌ها نوعی تردید و دودلی وجود دارد. از نظر لیکاف، کاربرد

تردیدنماها در گفتار زنان می‌تواند به دلیل پایین بودن اعتماد به نفس آن‌ها، یا موقعیت متزلزلشان در اجتماع مردسالار باشد. یک دلیل دیگر نیز می‌تواند این باشد که زنان معمولاً سعی دارند گفتار آن‌ها مؤدبانه باشد و به همین دلیل با تردید و مکث صحبت می‌کنند تا مطمئن باشند که از کلمات و فرم‌های مؤدبانه زبان استفاده می‌کنند [۲۵، ص ۵۴-۵۵].

داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهند که زنان نویسنده در روایت رمان‌های خود بیشتر از نویسندگان مرد از تردیدنماها استفاده کرده‌اند. جدول ۴ کاربرد تردیدنماها را در رمان‌های مطالعه‌شده نشان می‌دهد.

جدول ۴. تعداد تردیدنماها در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد تردیدنماها
رمان‌های نویسندگان زن	۶۵
رمان‌های نویسندگان مرد	۲۴

## دشواری‌ها

به‌طور کلی، زبان‌شناسان بر این باورند که مردها میل باطنی بیشتری برای استفاده از دشواری‌ها دارند و این میل از سنین پایین‌تر در آن‌ها به‌وجود می‌آید. این شرایط اجتماعی به مردان اجازه می‌دهد که از کلمات و عبارات «تابو» (کلماتی که در عرف زبانی آن‌ها را بد می‌دانیم) استفاده کنند. لیکاف اظهار می‌دارد که دختران و پسران از ابتدا یاد می‌گیرند که دوگونه گفتاری داشته باشند. از این‌رو، به دختران یاد داده می‌شود که مانند خانم‌ها صحبت کنند. بنابراین، گفتار دختران بیشتر به گونه مؤدبانه گرایش دارد تا گفتار پسران. در واقع، به زنان یاد داده می‌شود که مؤدب باشند تا گونه‌ای متفاوت با گونه مردان را معرفی کنند [۲۵، ص ۵۳-۵۵].

هولمز (۱۹۹۳) و آدامز (۱۹۸۹) اولین دلیل مؤدب بودن گفتار زنان را موقعیت پایین آن‌ها در جامعه می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که زنان بیشتر از مردان به موقعیت اجتماعی خود توجه می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند، از این‌رو مؤدب‌ترند. در واقع، زنان بین کاربرد زبان و شخصیت رابطه‌ای مثبت قائل‌اند و فکر می‌کنند اگر از زبان معیار استفاده کنند، می‌توانند خود را به طبقات بالای اجتماعی نزدیک‌تر کنند. این نکته به این دلیل اهمیت دارد که در بسیاری از جوامع، زنان یا نقش اجتماعی ندارند یا در مقایسه با مردان از نقش‌های اجتماعی پایین‌تری برخوردارند، بنابراین سعی دارند تا از زبان معیار به‌منزله ابزاری برای مطرح کردن خود را جامعه بهره‌برداری کنند.

هولمز (۱۹۹۲) دومین دلیل مؤدب بودن زنان را در این مسئله می‌داند که در مقایسه با مردان، جامعه از آن‌ها انتظارات بیشتری دارد. زنان الگوی رفتاری صحیح در جامعه هستند. جامعه استعمال واژه‌های زشت و مبتذل را از سوی مردان راحت‌تر از زنان قبول می‌کند. زنان



امروز، مادران فردا و الگویی برای کودکان به حساب می‌آیند. به این دلیل، ویژگی‌های رفتاری زنان بیشتر و سریع‌تر در جامعه گسترش می‌یابد، چون جامعه بیشتر از زنان الگو می‌گیرد. از دلایل دیگری که معمولاً برای توجیه مؤدب‌تر بودن زبان زنان ذکر می‌شود آن است که زنان در مقایسه با مردان برای حفظ حیثیت خود ارزش بیشتری قائل‌اند.

تحلیل شش رمان مطالعه‌شده این پژوهش نشان داد که زنان نویسنده در مقایسه با نویسندگان مرد از دشواژه‌های کمتری در نوشتار خود استفاده کرده‌اند. جدول ۵ نشان‌دهنده تعداد دشواژه‌ها در رمان‌های بررسی شده است.

جدول ۵. تعداد دشواژه‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد دشواژه‌ها
رمان‌های نویسندگان زن	۶
رمان‌های نویسندگان مرد	۸۳

جدول ۵ نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان از واژه‌های تابوی کمتری مردان استفاده کرده‌اند. در سه رمان نوشته‌شده از سوی زنان، فقط شش بار واژه‌های تابو به کار رفته است. در حالی که در سه رمان نوشته‌شده از سوی مردان، ۸۳ بار دشواژه‌ها به کار رفته‌اند. به همین دلیل به نظر می‌رسد کاربرد دشواژه‌ها یکی دیگر از تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان باشد.

### تشدیدکننده‌ها

لیکاف (۱۹۷۵) بر این باور است که زنان برای تأکید بر گفتار خود از آهنگ قوی‌تر جملات و تشدیدکننده‌هایی مانند so, very و such استفاده می‌کنند. درحقیقت، آن‌ها حتی درمواقع غیرضروری برای اینکه گفتار خود را مهم جلوه دهند از کلماتی برای قوی‌تر کردن بار معنایی آن استفاده می‌کنند. معمولاً زنان به این دلیل که در اجتماع جایگاه امنی ندارند و موقعیت متزلزلی دارند، سعی می‌کنند با زبان گفتاری و نوشتاری خاص خود موقعیت مستحکم‌تری را کسب کنند. آن‌ها در توصیف هر چیزی با شدت بیشتری عمل می‌کنند، اما مردان معمولاً به یک توصیف ساده و خنثی اکتفا می‌کنند.

پوینتون (۱۹۸۹) نیز تأیید می‌کند که زنان در گفتار خود از تشدیدکننده‌های بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. در پژوهش جانسون و روران (۱۹۹۲)، که بر نوشته‌های دانش‌آموزان انجام شده، مشاهده شد که زنان از تشدیدکننده‌های زبانی مانند «واقعاً»، «خیلی»، و «مخصوصاً» بیشتر از مردان استفاده کرده بودند و همچنین زنان هنگامی که مخاطب آن‌ها زن بوده، از تشدیدکننده‌های بیشتری در نوشته خود استفاده کرده بودند.

در پژوهش حاضر، با تحلیلی که بر شش رمان انجام شد، مشاهده شد که زنان در حوزه نوشتار نیز از تشدیدکننده‌های بیشتری از مردان استفاده می‌کنند. عباراتی مانند «بسیار بسیار

خوب»، «خیلی ریز»، «خیلی گران»، «خیلی خیلی مبارک»، «خیلی خیلی کوچولو»، «بسیار علاقه‌مند»، و «واقعاً» در رمان‌های زنان نویسنده زیاد به کار رفته بودند. اما در رمان‌های نویسندگان مرد، کلماتی مانند «مطلقاً»، «کاملاً»، و «بی نهایت» بیشتر به‌منزله تشدیدکننده به کار رفته‌اند.

جدول ۶. تعداد تشدیدکننده‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد تشدیدکننده‌ها
رمان‌های نویسندگان زن	۷۱
رمان‌های نویسندگان مرد	۳۴

جدول ۶ نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در نوشتار خود تشدیدکننده را به کار می‌برند. زنان معمولاً سعی می‌کنند توصیف خود را اغراق‌آمیز جلوه دهند، اما مردان معمولاً توصیف‌های ساده‌ای ارائه می‌دهند. بنابراین، استفاده از تشدیدکننده‌ها نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل تفاوت در نوشتار زنان و مردان باشد.

### صفت‌ها

لیکاف (۱۹۷۵) بر این باور است که زنان در گفتار خود از صفات بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند. زنان به‌طور کلی بیشتر به جزئیات توجه می‌کنند و سعی دارند هر چیزی را درست و کامل توصیف کنند، اما مردان معمولاً کمتر به جزئیات توجه می‌کنند و بیشتر به کلیات توجه دارند. مردان معمولاً دربارهٔ سیاست و مسائل کاری و اجتماعی وارد جزئیات می‌شوند و جزئیات مسائل برایشان اهمیت دارد، اما توصیف اشخاص و وسایل برایشان چندان اهمیت ندارد؛ بنابراین، هنگام توصیف اشخاص یا وسایل خیلی ساده و کلی منظورشان را القا می‌کنند.

در تحلیل حاضر، در بررسی سه رمان از نویسندگان زن و سه رمان از نویسندگان مرد مشاهده شد که در رمان‌های نوشته‌شده از سوی زنان تعداد صفت‌های بیشتری نسبت به رمان‌های نویسندگان مرد به کار رفته است. در ادامه، نمونه‌ای از توصیف یک نویسنده زن و یک نویسنده مرد را می‌بینیم.

- در ارتفاعی که منتظر بودم کسی را ببینم هیچ‌کس را ندیدم. سرم را خیلی پایین بردم تا دیدمش. قدش کوتاه بود؛ خیلی کوتاه؛ تقریباً تا آرنجم. لباس روپوش‌مانند گل‌داری پوشیده بود و شال بافتنی سیاهی بسته بود دور کمر. گردن‌بند مروارید سه‌رچی به گردن داشت [ص ۳۸، ۳].

- وقتی نشست، تازه دیدمش. دخترک سبزه‌ای بود که دندان‌های ردیف قشنگی داشت. از آن‌ها که وقتی یک لبخند ریز تحویل کسی می‌دهند و تو داری از نیم‌رخ می‌بینی‌شان دلت می‌خواهد بنشیند و تا هروقت که دنیا ادامه دارد نگاهشان کنی [ص ۴۵، ۵].

به نظر می‌رسد که نویسنده زن در توصیف خود با دقت بیشتری عمل کرده و از

صفت‌های بیشتری استفاده کرده است. او تقریباً به همه جزئیات لباس و اندام شخص اشاره کرده است، اما نویسنده مرد به یک توصیف ساده و کوتاه اکتفا کرده است و به نظر می‌رسد که فقط به دندان‌های دختر توجه کرده است. جدول ۷، تعداد صفت‌های به‌کاررفته در رمان‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۷. تعداد صفت‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد صفت‌ها
رمان‌های نویسندگان زن	۳۴۲۸
رمان‌های نویسندگان مرد	۲۱۱۲

طبق جدول ۷، در رمان‌های زنان نویسنده، ۳۴۲۸ صفت به‌کار رفته؛ در حالی که در رمان‌های نویسندگان مرد ۲۱۱۲ صفت استفاده است. همان‌طور که اشاره شد، زنان از صفات بیشتری در نوشته‌های خود نسبت به مردان استفاده می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که تعداد صفت‌ها در متن یکی از معیارهای مهم برای تمایز نوشتار زنان از مردان است.

### صفات تقریبی

پوینتون (۱۹۸۹) بر این باور است که زنان از صفات تقریبی مانند 'around' و 'about' بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. در زبان فارسی، معادل این کلمات «تقریباً»، «حدوداً»، و «حدود» است. یکی از عواملی که باعث کاربرد بیشتر این نوع صفت در گفتار زنان می‌شود این است که زنان معمولاً از سخن‌گفتن به‌طور قطعی می‌پرهیزند و تمایل دارند با حدود و تقریب مسائل را بیان کنند و در واقع به نظر می‌رسد که از جواب‌دادن به‌طور قطعی می‌پرهیزند. در تحلیل شش رمان یادشده مشاهده شد که این مسئله در نوشتار نیز به همین صورت است. نویسندگان زن در این سه رمان بیشتر از نویسندگان مرد از صفات تقریبی استفاده کرده‌اند. جدول ۸، تعداد صفات تقریبی در رمان‌های مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۸. تعداد صفات تقریبی در رمان‌های مطالعه‌شده

انواع رمان	تعداد صفات تقریبی
رمان‌های نویسندگان زن	۶۷
رمان‌های نویسندگان مرد	۳۸

طبق داده‌های جدول ۸، تعداد صفات تقریبی در رمان‌های نویسندگان زن بیشتر از مردان است. پس یکی دیگر از تفاوت‌های نوشتاری زنان و مردان می‌تواند تفاوت تعداد صفات تقریبی به‌کاررفته در متن باشد.

## نتیجه گیری

۱. در زمینه استفاده از رنگ‌واژه‌ها در رمان‌ها، زنان نویسنده رنگ‌واژه‌های بیشتری را نسبت به نویسندگان مرد به کار برده‌اند. مردان در نوشتار خود فقط از رنگ‌واژه‌های اصلی و ساده استفاده کرده‌اند، در حالی که در نوشتار زنان طیف‌های گسترده‌تری از رنگ‌ها مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که زنان چون به جزئیات بیشتر اهمیت می‌دهند و سعی دارند توصیف دقیق‌تری از همه چیز را ارائه دهند بیشتر به جزئیات رنگ‌ها دقت می‌کنند. همچنین زنان به رنگ‌ها حساس‌اند و در تشخیص نوع رنگ، نهایت دقت را به کار می‌برند. در حالی که تفاوت رنگ‌ها برای مردان برایشان چندان اهمیت ندارد و آن‌ها معمولاً از رنگ‌های اصلی استفاده می‌کنند. بنابراین، تفاوت در کاربرد رنگ‌واژه‌ها می‌تواند یکی از تفاوت‌های نثر زنان با مردان باشد.
۲. مشخص شد که زنان در نوشتار خود از تردیدنماها بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد دلیل استفاده بیشتر زنان نویسنده از تردیدنماها، عدم قطعیت و یقین آن‌ها باشد، زیرا تردیدنماها معمولاً عدم قطعیت و صراحت گوینده را می‌رسانند.
۳. مشاهده شد که نویسندگان مرد در آثار خود بیشتر از زنان نویسنده از دشواژه‌ها و گونه گفتاری و نوشتاری مؤدبانه‌ای استفاده کرده‌اند.
۴. در زمینه استفاده از تشدیدکننده‌ها در رمان‌های مطالعه‌شده، زنان نویسنده تمایل بیشتری به استفاده از تشدیدکننده‌ها دارند. زنان به‌طور کلی از کلمات و جملاتی با بار معنایی قوی‌تر و اغراق بیشتر استفاده می‌کنند.
۵. مشخص شد که زنان نویسنده در آثار خود از صفات بیشتری نسبت به مردان نویسنده استفاده کرده‌اند. این مسئله می‌تواند به این دلیل باشد که زنان بیش از مردان به جزئیات توجه می‌کنند و سعی دارند تا هر چیزی را به طور کامل توصیف کنند.
۶. همچنین مشخص شد که زنان نویسنده از صفات تقریبی بیشتری نسبت به مردان استفاده کرده‌اند و نظریه‌های لیکاف در زمینه الگوی نوشتاری آن‌ها در فارسی تأیید می‌شود.

## منابع

- [۱] اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۳). «تعامل زبان و جنسیت و کارکردهای آن در ادبیات معاصر فارسی»، پایان‌نامه ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام‌نور.
- [۲] پورجهان، پریسا (۱۳۷۸). «گونه عامیانه زبان فارسی و تفاوت‌های کلامی زنان و مردان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- [۳] پیرزاد، زویا (۱۳۸۰). *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*، تهران: مرکز.
- [۴] جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰). «زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی؛ تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن در تعامل مکالمه‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- [۵] جعفری، فرهاد (۱۳۸۶). *کافه پیانو*، تهران: چشمه.
- [۶] جهرمی و ذاکری (۱۳۸۹). «مطالعه تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، ش ۳، ۲۳-۳۷.
- [۷] روانی‌پور، منیرو (۱۳۷۸). *کولی کنار آتش*، تهران: مرکز.
- [۸] سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۴). *بازی آخر بانو*، تهران: ققنوس.
- [۹] صادقی تحصیلی، طاهره (۱۳۷۴). «ویژگی‌های شعر زنان و تفاوت آن با شعر مردان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- [۱۰] عاصفی کیا، مهرانوش (۱۳۸۴). «بررسی نقش جنسیت در انتخاب واژگانی در ترجمه متون نثر ادبی از انگلیسی به فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- [۱۱] فصیح، اسماعیل (۱۳۸۹). *ثریا در اعما*، تهران: نشر ذهن آویز.
- [۱۲] معروفی، عباس (۱۳۸۹). *سمفونی مردگان*، تهران: ققنوس.
- [13] Adams, K.L. & Ware, N. C. (1989). Sexism and the English language: The linguistic implications of being a woman. In J. Freeman (Ed.), *Women: A feminist perspective* (4th ed., pp. 470-484). Mountain View, CA: Mayfield.
- [14] Bodine, A. (1975). Sex Differentiation in Language. In *Language and Sex: Difference and Dominance*, Thorne, B. & N. Henley pp.130-151. Rowley, MA: Newbury House.
- [15] Coates, J. (1998), *Language and Gender: A reader*, Blackwell, Oxford.
- [16] Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*, 5<sup>th</sup> edition, Blackwell Publishing.
- [17] Fishman, P. (1983). "Interaction: The Work Women Do", in Thorne, Kramarae and Henley, pp 89-101.
- [18] Goodwin M, H. (1980). "Directive-Response Speech Sequences in Girls' and Boys' Task Activities", pp. 157-73 in Mc-Connell Ginet et al. *Women and Language in Literature and Society*, Praeger, New York.
- [19] Hass, M.R. (1964). "Men's and Women's Speech in Koasati", in Hymes, D. *Language in Culture and Society*. Harper & Row, New York.
- [20] Hayward, M. (2003). "Are Texts Recognizably Gendered? An Experiment and Analysis" *Poetics* (31) pp.87-101.
- [21] Hiatt, M. (1977). *The Way Women Write*, New York, Teachers' College press, Columbia University.
- [22] Holmes, J. (1992). *An introduction to sociolinguistics*. London, Longman.
- [23] Johnson, D. M. & D.H Roen (1992), "Complimenting and Involvement In Peer Reviews: Gender Variation", *Language In Society*, 21 (1) pp 27-57.
- [24] Lakoff, R. (1973). "Language and Women's place", *Language in society*.
- [25] Lakoff, R. (1975). "Language and Women's Place", New York, Harper & Row.
- [26] Leonardi, S. (1986). "Bare Places and Ancient Blemishes: Virginia Woolf's Search for New Language in Night and Day", Scarecrow press.
- [27] Modarresi, Y. (1978). "A sociolinguistic analysis of modern Persian", Ph.D. Dissertation, University of Kansas.
- [28] O'Barr, W.M, & aAtkins, B. (1980), "Women's Language or Powerless Language in Women and Language in Literature And Society".eds. MacConnell-Ginet, R. Borker and N. Furman, pp 93-110. New York, Praeger

- [29] Poynton, C. (1989). "Language and Gender: Making the Difference", Victoria, Deakin University.
- [30] Rubin, D. & Greene, K. (1992), "Gender-typical style in written language", *Research in the Teaching of English*, 26 (1), 7-40.
- [31] Scates, C. (1981). "A Sociolinguistic Study of Male/Female Language in Freshman Composition". Unpublished doctoral dissertation, University of Southern Mississippi, Hattiesburg, Mississippi.
- [32] Zimmerman, D. & West, C. (1975). "Sex Roles, Interruptions and Silences in Conversation". pp 105-29 in Thorne, B. & Henley, N. *Language and Sex: Difference and Dominance*, Newbury House, Rowley, Massachusetts.

Archive of SID